



**کل جمعیت ایران در هفته پایانی اردیبهشت ۱۴۰۵**  
**۸۶ میلیون و ۸۸۷ هزار نفر**



**تولدهای کشور در یک سال گذشته**  
**۹۷۹,۹۲۸**



**فوت شدگان کشور در یک سال گذشته**  
**۴۵۸,۸۷۳**



**ازدواج و تولد در ۴۰ روز جنگ تحمیلی سوم**  
**تولد ۸۸,۵۰۰**  
**ازدواج ۳۰,۰۰۰**

**# فرار از نمایش**

شاید اگر همین چند سال پیش به مردم می گفتید که بین اقامت در یک هتل پرزرق و برق یا توقف در خانه‌های روستایی، یکی را انتخاب کنید جواب اکثریت به‌سوی آن لوکس بودن متمایل بود. حالا روزگار عوض شده و تعابیر و خواسته‌ها هم همینطور. می پرسید چطور؟ خب، جواب ساده اینکه سال‌ها لوکس بودن یعنی دیده شدن؛ ساعت‌های گران قیمت، لوگوهای بزرگ، مهمانی‌های پرزرق و برق و سفرهایی که باید همه از آن باخبر می شدند؛ اما حالا به نظر می رسد تعریف ثروت هم میان ثروتمندان جهان آرام آرام در حال تغییر است. اصل ماجرا این است که نسل جدید مشتریان پولدار اجناس لوکس دیگر دنبال «نمایش دادن» نیستند؛ آنها بیشتر از هر چیز به دنبال سکوت، زمان، خواب کافی و فاصله گرفتن از فشار دائمی دیده شدن هستند. شاید باور نکنید اما این تغییر فقط در مد و هتل‌ها دیده نمی شود و حتی صنعت جت‌های خصوصی هم در حال تغییر مسیر است. به عبارت کلی مردم از اینکه مدام زیر ذره بین باشند خسته شده‌اند و لوکس بودن امروز یعنی اینکه بتوانی برای مدتی از نگاه دیگران ناپدید شوی. حالا، تمرکز روی آرامش ذهن، خواب بهتر و بازیابی انرژی است. جت خصوصی دیگر فقط نماد ثروت نیست و آن تبدیل شده به فضایی برای فرار از خستگی و فشار زندگی مدرن. این موج جدید در هتل‌ها و برندهای مد هم دیده می شود. برندها کمتر روی لوگو و نمایش تمرکز می کنند و بیشتر سراغ کیفیت، تجربه شخصی و حس آرامش رفته‌اند. حتی مقصدهای گردشگری هم حالا به جای هیجان و شلوغی، «آهسته زندگی کردن» را تبلیغ می کنند. در این بین، غرب آسیا هم ارزش‌های خودش را وارد این صنعت کرده است؛ ارزش‌هایی مثل مهمان‌نوازی، گفت‌وگوی بی شتاب و حضور واقعی در لحظه. شاید برای همین است که در سال ۲۰۲۶، لوکس‌ترین چیز دنیا دیگر یک کیف یا ماشین خاص نباشد؛ بلکه چند ساعت آرامش، سکوت و زندگی بدون نیاز به اثبات خود به دیگران باشد.



# ۸۶,۸۸۷,۳۲۴ ایرانی نازنین

گشت و گذاری در آمار سازمان ثبت احوال کشور به بهانه روز جمعیت

**محمد سرایی | روزنامه نگار | در جامعه امروز**

سرزمین ایران چند نفر را می شناسید؟ با چند نفر دوست و همسایه هستید؟ چند هموطن دارید؟ جمعیت ایران بنا به آخرین آمارها بیش از ۸۶ میلیون نفر است. ما در مرزهای این کشور با بیش از ۸۶ میلیون نفر دیگر هویت مشترک «ایرانی» داریم؛ هویتی که پس از ۲ بار هجوم بیگانه‌گان در کمتر از یک سال و حالا همزمان با تهدید دشمن، برایمان جدی تر شده است. به گفته کارشناسان جمعیت، امروزه ایران در نقطه اوج جمعیت مولد خود قرار دارد و کشور به سمت کاهش جمعیت و سالمندی حرکت می کند.

**تابلوی جمعیت شمار**

بنا به آمار زنده سازمان ثبت احوال، جمعیت ایرانیانی که در محدوده مرزهای کشورمان زندگی می کنند تا ساعت ۱۴ روز ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۵ برابر با ۸۶ میلیون و ۸۸۷ هزار و ۳۲۴ نفر است. با حساب تولد و

فوت و محاسبات آماری؛ هر ساعت حدود ۳۶ نفر به این جمعیت اضافه می شود. جمعیت ایران در سال ۱۳۳۵ که نخستین سرشماری رسمی برگزار شد ۱۹ میلیون نفر بود. در سال ۱۳۵۷ این جمعیت به ۳۶ میلیون نفر رسید و الان فقط جمعیت پایتخت در محدوده مناطق بیست و دو گانه شهرداری تهران ۹ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر است.

**آخرین هشدار زندگی ادامه دارد**

غریب یک مرحله دیگر در پیش است. زمانی که جمعیت ایران پیر می شود. سال ۱۴۳۰ یعنی ۲۵ سال بعد که در آن یک سوم جمعیت کشور سالمند می شوند. آن موقع از هر ۳ نفر یک نفر بالای ۶۰ سال دارد. این ارقام، پیش‌بینی متخصصان جمعیت‌شناسی درباره آینده ایران است که درباره کاهش تعداد تولدها هشدار می دهند.

**ماجرای تغییر ۷۰ ساله جمعیت**

اگر در دهه ۳۰ کسی می گفت که ۷۰ سال بعد جمعیت ایران به ۹۰ میلیون نفر می رسد، شاید کسی این حرف را باور نمی کرد. الان هم کارشناسان جمعیت می گویند که در ۷۰ سال آینده جمعیت ایران تا ۳۰ میلیون نفر کم می شود و این حرف برای ما هم غریب است. یعنی زمانی می رسد که جمعیت شهرهای ما به یک سوم تعداد امروز برسد، ساختمان‌ها خالی و خیابان‌ها خلوت شوند؛ ممکن است عمر خیلی از ما به ۷۰ سال دیگر نرسد و این صحنه را نینیم اما قبل از رسیدن به این تصویر



## ۱۸ میلیون و ۷۷۵ هزار و ۱۴۵۲ ایرانی هنوز ازدواج نکرده‌اند

گفت‌وگوی اختصاصی همشهری با علیرضا رحیمی، معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان درباره وضعیت ازدواج جوانان ایرانی



**فاطمه عسگری نیا | روزنامه نگار |**  
پایین بودن آمار ازدواج طی سال‌های گذشته همواره به‌عنوان یکی از دغدغه‌های مهم اجتماعی از سوی مسئولان و کارشناسان مطرح بوده و هست؛ موضوعی که اغلب به‌طور واضح اعداد و ارقامی در رابطه با آن از سوی مسئولان اعلام نمی شود. علیرضا رحیمی، معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان در گفت‌وگوی اختصاصی با همشهری به سوالات ما پاسخ داد.

**آمار ازدواج در کدام استان‌ها بیشتر و در کدام استان‌ها کمتر است؟ آمار ازدواج در کدام قشر از لحاظ اقتصادی بیشتر و کمتر است؟ آیا تمکن مالی در این موضوع نقش مثبت دارد یا منفی؟**

**آمار ازدواج در کشور به تفکیک جنس و سن چگونه است؟ چه تعداد از مشمولان ازدواج تا به حال اصلا ازدواج نکرده‌اند؟**

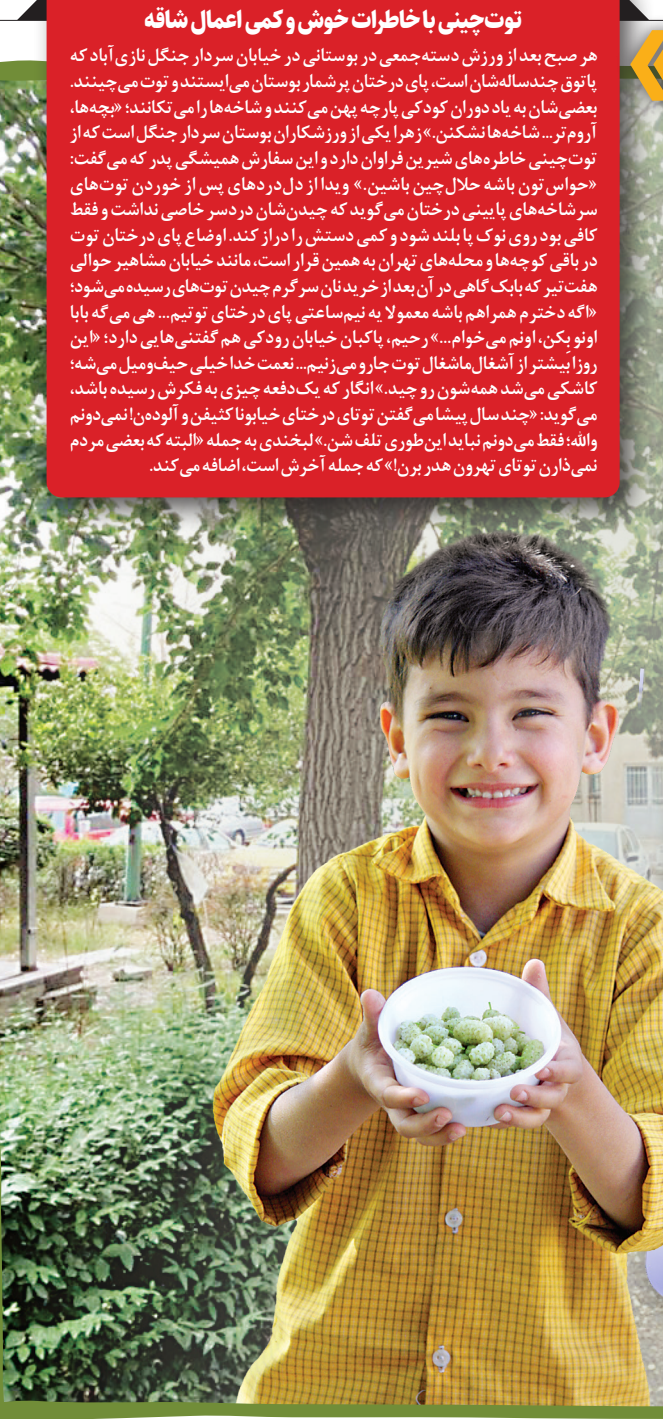
در سال ۱۴۰۴ تنها ۴۳۰ هزار و ۷۵۶ واقعه ازدواج در کشور ثبت شده است. نرخ ازدواج زنان مجرد از هر ۱۰۰ نفر در سال ۱۴۰۱ برابر با ۴۳،۳۵ است. در سال ۱۴۰۲ برابر با ۳۸،۸۴ و در سال ۱۴۰۴ برابر با ۳۲،۱۶ است. آمار مجردان هرگز ازدواج نکرده کمتر از ۴۰ سال، به‌ویژه در زنان و ۴۵ سال به‌طور خاص در مردان به جهت آگاهی از تجرد قطعی حائز اهمیت است. برای سن اساس آمار ۱۹،۲۳۹،۱۹۰ زن کمتر از ۴۰ سال و ۹،۶۹۵،۹۸۷ زن کمتر از ۴۵ سال ازدواج نکرده در کشور قابل پیگیری است. این وضعیت برای مردان برابر با ۹،۳۳۸،۴۷۳ مرد کمتر از ۴۰ سال و ۹،۱۲۰،۲۸۱ مرد کمتر از ۴۵ سال است. در مجموع ۱۸،۷۷۵،۴۵۲ زن و مرد مجرد هرگز ازدواج نکرده در کشور وجود دارند که زمینه‌سازی برای ازدواج آنها از اهمیت جدی‌ای برخوردار است.

استان‌های سیستان و بلوچستان، کیلیکولوسه و بویراحمد، ایلام، بوشهر، خوزستان، هرمزگان، لرستان، کرمانشاه، فارس، چهارمحال و بختیاری و کرمان به‌تدریج بیش از متوسط کشور دارای ترکیبات جمعیتی مجرد هرگز ازدواج‌نکرده زن هستند. جز استان تهران، تمامی کمرخوردار جنوبی با استان تهران در وضعیت چالش برانگیز حجم مجردان هرگز ازدواج‌نکرده زن، یکسان نیست. استان‌های جنوبی کشور به دلیل بالاتر بودن موالیسد و جمعیت مجردان کمتر از ۲۰ سال با مشکل فزونی زنان مجرد هرگز ازدواج‌نکرده مواجه هستند؛ در حالی که تهران به دلیل پایین بودن نرخ ازدواج پسر اثر مجموعه‌ای از عوامل تأثیرگذار، دچار این وضعیت شده و در مردان کمی متفاوت است که استان‌های کیلیکولوسه و بویراحمد، ایلام، سیستان و بلوچستان، لرستان، خوزستان، فارس، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، کرمانشاه، هرمزگان، تهران، کرمان و البرز بیشترین درصد مردان مجرد هرگز ازدواج‌نکرده را نسبت به کل مردان مجرد و متأهل استان در خود دارند. براساس یافته‌ها مجموع مجردان کشور (هرگز ازدواج‌نکرده، مجرد به دلیل طلاق، مجرد به دلیل فوت همسر) برابر با ۲۴،۶۳۵،۹۷۴ نفر است که از این میان ۲،۶۲۸،۴۸۴ نفر زن و ۲،۰۷۴،۴۹۰ نفر مرد هستند.

تصویر یک نوشته چندخطی که پشت شیشه‌یک مغازه جای گرفته است، از همین دست حال‌های خوبی است که خریدار دارد. یک سوپرمارکتی که در گوشه‌ای از مغازه‌اش،

وسط تمام خبرهای تلخ و بی‌معرفی‌ها، گاهی یک نوشته تاب‌شده که پشت یک مغازه جای گرفته است، همان معجون شفابخشی می‌شود که می‌تواند تا ساعت‌ها حال دلمان را خوب کند.

**کاسب با معرفت**



**توت‌چینی با خاطرات خوش و کمی اعمال شاقه**  
هر صبح بعد از ورزش دسته‌جمعی در بوستانی در خیابان سردار جنگل نازی آباد که پاتوق چندساله‌شان است، پای درختان پرشمار بوستان می‌ایستند و توت می‌چینند. بعضی‌شان به یاد دوران کودکی بارچه بهن می‌کنند و شاخه‌ها را می‌نکاتند؛ «چه‌ها، آروم تر... شاخه‌ها نشکنن.» زهرا یکی از ورزشکاران بوستان سردار جنگل است که از توت‌چینی خاطره‌های شیرین فراوان دارد و این سفارش همیشگی پدر که می‌گفت: «حواس تون باشه حلال چین باشین...» ویدا از دل دردهای پس از خوردن توت‌های سرشاخه‌های پایینی درختان می‌گوید که چیدن‌شان دردسر خاصی نداشت و فقط کافی بود روی نوک پا بلند شود و کمی دستش را دراز کند. اوضاع پای درختان توت در باقی کوجه‌ها و محله‌های تهران به همین قرار است. مانند خیابان مشاهیر حوالی هفت تیر که بابک کاهی در آن بعد از خرید نان سرگرم چیدن توت‌های رسیده می‌شود؛ «که دخترم همراه باشه معمولاً به نیم‌ساعتی پای درخت خاتمی توتیم... می‌همی که بابا اونو بکن، اونم می‌خوام...» رحیم، بابک‌ان خیابان رودکی هم گفتنی‌هایی دارد: «این روزا بیشتر از اشغال‌ماشغال توت چارو می‌زنیم... نعمت خدا خیلی جیفومیل می‌شه؛ کاشکی می‌شد همه‌شون رو چید...» انکار که یک دقیقه چیزی به فکرش رسیده باشد، می‌گوید: «چند سال پیش می‌گفتن توت‌های درختانی خیابون‌ها نکشفتن و آلودن نمی‌دونم والله فقط می‌دونم نباید این طوری تلف بشن... لبتخندی به جمله «البته که بعضی مردم نمی‌دانن توت‌های نهور هون برن» این که جمله آخرش است، اضافه می‌کند.

## تهران پای درخت توت

درباره توت‌چینی‌های خیابانی که سرگرمی این روزهای مردم است

حالا نیز پای درختان توت، شلوغ است از جمعیت توت‌چینی که اولش به هوس خوردن چند دانه توت سفید توقف می‌کنند، ولی تا طعم نوستالژیک و دوست‌داشتنی توت‌های تهران به دهانشان مزه می‌کند، آنقدر می‌مانند تا دلشان از عزا درآید. از سر همان طعم خوب است که توت‌چینان حتی حسرت توت‌هایی را که می‌رسیده‌اند نداشتند و ریخته‌اند کف پیاده‌روها نیز می‌خورند. این روزها تصویر کسانی که به شاخه‌های درختان توت در معابر عمومی تهران دست برده‌اند، پر تکرار، تماشایی و خاطر‌انگیز است.

**سحر جعفریان عصر | روزنامه نگار | اثر باغستان‌هایی گزارش**

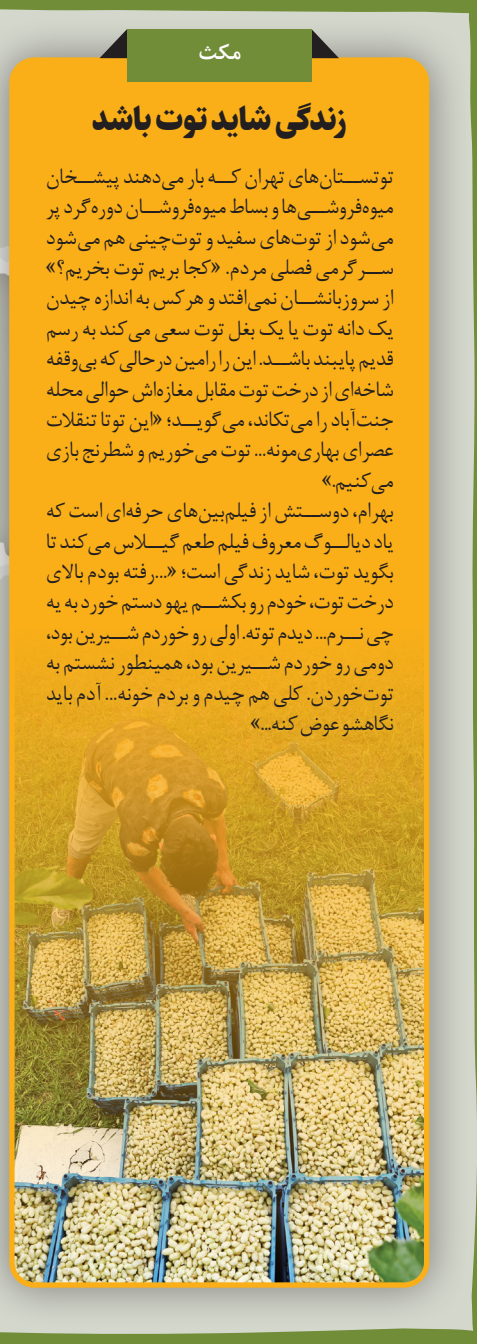
که خیلی سال پیش جایشان بر جویبارو قد کشید، هنوز در بسیاری از کوچه‌ها و خیابان‌های پایتخت پیداست؛ درختان پرسایه‌ای که شاخه‌هایشان از سنگینی توت‌های درشت آویزان است تا عابران روزهای اردیبهشت و خرداد پایتخت را به کامی شیرین مهمان کنند. عابران از مرد و زن و خردسال و سالخورده، اغلب وسط روزمرگی‌هایشان پذیرای این مهمان‌نوازی و دست‌ودل‌بازی بوده و هستند؛ حتی حالا که روزگار سخت بعد از جنگ و آتش بس است.

**کسب‌وکارهای توتی**

حاشیه بزرگراه همت سید و سطل‌هایی پر از توت‌های سفید آب‌زده، کیب هم رچ شده‌اند. کنارشان پسرپچه و دخترکلانی پلاکار دیده‌دست یا هواپاکشان ایستاده‌اند؛ «توت‌های عالی کن»، «توت سفید کیلویی ۱۵۰ هزار تومان» و یا «توت‌چینی». توت‌چینی را سارگل ۱۳ ساله به مشتریانی می‌گوید که خودریشان را به قصد خرید توت از بساط دوستانش کنار زده‌اند. «...البته نه به همه مشتری...» این حرف سارگل است که اینطور بی‌اش را می‌گیرد: «از سرور ریخت بعضیاشون مشخصه اهل نفریحای دسته‌جمعی و توری‌زبان...» توت‌ها را برادر بزرگش، سعید برگزار می‌کند که چند سالی است سروکارش با توت‌های باغ عمویشان است؛ از توت‌چینی و توت‌خشک‌کنی گرفته تا شیره‌گیری و برگزاری توره‌های توت‌چینی که تاکنون مورد استقبال کن و توتستان گردی، کوتاه است؛ «تورا یک‌روزه‌ان، با ظرفیت ۵ تا ۱۰ نفر، توتی توتستونای کن و دهونک، اگه بخواید عکاسی و پذیرایی هم دارن.» برای اطلاع آنها از هزینه‌های توت‌چینی و توتستان گردی، همراه برادرش را می‌دهد. تعدادی از مشتریان زیر گوش یکدیگر زمزمه می‌کنند: «جالبه... فکرش نمی‌کردم توت‌چینی تور داشته باشه...» «یه نفر یه دهه‌شصتی مون نشه؟...» «باید خیلی گروه باشه» و جملاتی از همین دست که وجه‌اشتراکشان کنج‌کاو، تعجب و حال خوش است. یکی از مشتریان قیمت توت خشک بیشتر از توت، توجهش را جلب کرده که پیش از سوار شدن به خودرو می‌پرسد: «توت خشکا رو چند می‌ده داداش؟» و سارگل او را هم حواله می‌دهد به تماس تلفنی با برادرش.

**چند متر پارچه برای چند کیلو توت**

شاید شغل شان توت‌چینی نباشد، اما توت‌خور حرفه‌ای‌اند و خوب می‌دانند کی و کجا بروند برای خوردن توت‌های تازه و آبدار. مانند امیرحسین که معمولاً از اواسط اردیبهشت‌ماه با دوستانش راهی کوچه‌باغ‌های کن می‌شود؛ «از وقتی به دنیا اومدم تا همین چند سال پیش ساکن کن بودم. برای همین آمار توتستونای خفن این محدوده رو دارم؛ اینکه صاحب کدوم توتستون خوش‌اخلاقه یا از سرریز درختای کدوم توتستون به کوچه می‌شه خورد... خلاصه تفریح این آخر هفته‌ها مون همین... کافه مافه فعلاً تعطیل!» پارخور توتستان‌های فرحزاده، سولقان، طر شست، باغ فیض و دهونک نیز از بهین‌کردن بساط پیک‌نیک و توت‌چینی‌خوادگی زیاد است. کیسوان و اهل‌وعیالش پای ثابتی به همین توتستان‌ها دارند؛ «عصرا چند تا سبب و چند متر پارچه تمیز می‌زنیم زیر بغل و می‌یایم توت‌چینی. عادتش از بچگی تو سرم موند... از وقتی بابابزرگم کارگر یکی از همین توتستونا بود... خدا رحمتش کنه...» هنوز هم حرف‌های پدر بزرگ به وقت چاشت و نماز و ناهار به یادش ماند؛ «توت رو به نیت گره‌کشی‌ای و کار خیر می‌کاشتن... بیشتر هم توی مسیریایی که کاروان‌رو بودن یا نزدیکی کاروانسراها و سر راه مسافری تهران و تالک‌معا و فاتح‌های نصیبشون بشه...» حالا کیوان همان حرف‌ها را به گوش دوقلوهای بازیگوش می‌خواند.



**زندگی شاید توت باشد**

توتستان‌های تهران که بار می‌دهند پیشخان میوه‌فروشی‌ها و بساط میوه‌فروشان دوره‌گرد پر می‌شود از توت‌های سفید و توت‌چینی هم می‌شود سسرگرمی فصلی مردم. «کجا بریم توت بخیریم؟» از سرور بان‌شان نمی‌افتد و هر کس به اندازه چیدن یک دانه توت یا یک بغل توت سعی می‌کند به رسم قدیم پایبند باشد. این را از امین در حالی که بی‌وقفه شاخه‌ای از درخت توت مقابل مغازه‌اش حوالی جنت‌آباد را می‌نکاتند، می‌گوید: «این توت‌انقلات عصرای بهاری مونه... توت می‌خوریم و شطرنج بازی می‌کنیم»

بهرام، دوستش از فیلم‌بین‌های حرفه‌ای است که یاد دیالوگ معروف فیلم طعم گیلان می‌کند تا بگوید توت، شاید زندگی است؛ «...رفته بودم بالای درخت توت، خودم رو بکشم یهو دستم خورد به یه چی نرم... دیدم توت‌ه اولی رو خوردم شیرین بود، دومی رو خوردم شیرین بود، همینطور نشستم به توت خوردن. کلی هم چیدم و بردم خونه... آدم باید نگاهشو عوض کنه...»